

## نظام سیاسی ساسانی (۳۲۵-۵۷۹ م) و نظریه پاتریمونیال- بوروکراتیک ماکس وبر

دکتر روزبه زرین کوب\*

حمیدرضا پاشازانوس\*\*

### چکیده

مفهوم «پاتریمونیال- بوروکراتیک» (Patrimonial-Bureaucratic) در جامعه شناسی وبر یکی از مهمترین مدل‌های کشورداری در جوامع «سنتی» (Traditional) است. نظام‌های سیاسی پاتریمونیال- بوروکراتیک که خود گونه‌ای از نظام‌های پاتریمونیال است، دارای دو خصلت به ظاهر متضاد، اما مکمل هم هستند؛ یکی جنبه خودکامگی نظام‌های مذکور است که با توجه به آن حکومت عرصه خودکامگی حاکم پاتریمونیال می‌شود و دیگری ویژگی بوروکراتیک بودن این نوع نظام‌هاست که آنها را از نظام‌های سیاسی دیگر متمایز کرده، برتری می‌دهد. با عنایت به این تعریف مجمل از ساختار پاتریمونیال- بوروکراتیک و با استناد به روش تاریخی در گردآوری اطلاعات و روش تحلیل و مفاهمه و تلفیق آنها نظام سیاسی دولت ساسانی بر مبنای مشخصه‌های مذکور در یک نظام پاتریمونیال- بوروکراتیک مورد ارزیابی و بررسی قرار خواهد گرفت. در این بررسی سعی خواهد شد تا در حد امکان علل و عوامل شکل‌گیری شاهنشاهی ساسانی و میزان انطباق و یا عدم انطباق آن با نظریه پاتریمونیالیسم- بوروکراتیک ماکس وبر مورد تحلیل و تعلیل قرار گیرد. عقیده نگارندگان بر آن است که نظام سیاسی شاهنشاهی ساسانی در قسمتی از حیات خود یعنی از دوره زمامداری شاپور دوم تا پایان پادشاهی خسرو انوشیروان غالب ویژگی‌ها و مشخصات نظریه پاتریمونیال- بوروکراتیک را دارا بوده است.

### واژه‌های کلیدی

ساسانیان، نظام سیاسی، پاتریمونیال- بوروکراتیک، دیوان سالاری.

\* استادیار تاریخ دانشگاه تهران zarrinkoobr@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران pasha.hamid@ut.ac.ir

## مقدمه

چگونگی شکل‌گیری شاهنشاهی ساسانی و پیامدهای آن، از جمله مهمترین رویدادهای تاریخی جامعه ایران در عهد باستان و جوامع همسایه آن است. ساسانیان که در آغاز، حکومت یکی از نواحی کوچک فارس را بر عهده داشتند، با اتکا به نیروی نظامی وفادار و با کفایت و درک نخستین پادشاهان خویش از شرایط و اوضاع حاکم بر ایران اوایل سده سوم میلادی، توانستند نظام سیاسی و اداری منسجم و متمرکز با تشکیلات وسیع و گسترده را پی افکنند. آنها با استفاده از درک و فهم خویش از زمینه‌ها و شرایطی که منجر به سقوط اشکانیان شد، تصمیم به ایجاد حکومتی وسیع، اما متمرکز گرفتند. این امر خود نتیجه طبیعی تلفیق دو عنصر متفاوت بود، از طرفی اسلوب ملوک الطوائف که ساسانیان آن را از اشکانیان به میراث برده بودند و از جانبی حکومت مطلقه دیوانی که خصوصاً در شکل وحدت دین و دولت ظهور یافت و البته هنوز در مراحل آغازین خویش به سر می‌برد. در پایان دوره اشکانیان، ضعف قدرت مرکزی و نبود یک قدرت توانمند که بتواند کشور را متحد و یکپارچه سازد، منجر به سقوط پادشاهی مذکور گشت. به همین خاطر، ساسانیان برای رسیدن به چنان هدفی به اقداماتی دست زدند که همبستگی میان دین و دولت مهم‌ترین آنها بود. البته ساسانیان بعضی از جنبه‌های کشورداری را نیز از گذشتگان خویش به میراث بردند. یکی از آن موارد فرّه ایزدی است که پادشاهان ایران پیش از آنها برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش از آن استفاده می‌کردند. همه این عوامل منجر به تحولات و رویدادهای متعددی شد که از جمله این تحولات، شکل‌گیری یک نظام سیاسی گسترده و قدرتمند با تشکیلات اداری و دیوان سالارانه وسیع و متمرکز در

ایران بود که به پادشاهان ساسانی این اجازه را می‌داد تا بتوانند با قدرت و خودکامگی کامل بر کشور حکومت کنند.

از این رو، بررسی این نظام که از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین نظام‌های سیاسی شکل گرفته در ایران باستان بوده، ضروری و بایسته است و چون شناخت نظام سیاسی مذکور مستلزم بررسی دقیق و منظم آن است، برای طرح و تحلیل آن، مفهوم و الگوی نظری پاتریمونیال- بوروکراتیک ماکس وبر به عنوان مفهوم ناظر بر تحلیل نظام‌های سیاسی جوامع سنتی که تاکید اصلی آن بر بررسی تشکیلات دیوان سالاری و ساختار نظام‌های پاتریمونیال- بوروکراتیک است، به کار گرفته شد. البته لازم به ذکر است که مفهوم پاتریمونیال- بوروکراتیک تنها قسمتی از حیات یک نظام سیاسی را که دارای تشکیلات اداری و سیاسی وسیع و گسترده است، شامل می‌گردد. در همین راستا مهم‌ترین مساله و پرسش مطالعه حاضر این است که: نظریه پاتریمونیال- بوروکراتیک تا چه حد و در چه زمینه‌هایی دارای قابلیت انطباق با نظام سیاسی ساسانیان است؟

پاسخگویی به مساله فوق که آن را باید پرسش اصلی این تحقیق دانست، خود لاجرم نیازمند طرح فرضیه مناسب و مشخص است.

## فرضیه تحقیق

اگر خودکامگی، شخصی و خاندانی بودن یک نظام سیاسی و سنتی بودن ساختارها و سیاست‌های اعمال شده از آن را به عنوان مبانی نظام پاتریمونیال محسوب کنیم و در نظر داشته باشیم که مفهوم پاتریمونیال- بوروکراتیک وبر برای گونه‌ای از دولت پاتریمونیال به کار رفته است که دارای تشکیلات دیوان سالارانه

گسترده و نسبتاً متمرکز با روندهای شبه بوروکراتیک است و در نظام‌های سیاسی سنتی، قدرتمندترین تشکیلات اداری و دیوانی می‌باشد، نظام سیاسی شاهنشاهی ساسانی در قسمتی از حیات خود، یعنی از دوره زمامداری شاپور دوم تا پایان شاهنشاهی خسرو انوشیروان، غالب ویژگی‌ها و مشخصات نظریه پاتریمونیا - بوروکراتیک را دارا بوده است.

در پایان این مقدمه و پیش از آغاز بحث لازم است تا اشاره‌ای به روش مورد استفاده در این مطالعه شود، روش به کار رفته در این تحقیق، ترکیب و تلفیقی از روش تاریخی در گردآوری اطلاعات و روش تحلیلی و تعلیلی و تا اندازه‌ای روش تفسیر و مفاهمه پدیده‌های اجتماعی مورد بحث است. زیرا که این مطالعه مبتنی بر یک مفهوم و نظریه جامعه شناختی و ترکیبی از تاریخ و نظریه است. باید توجه داشت که نظریه پاتریمونیا - بوروکراتیک و مفاهیم مطرح در آن، در حکم نمونه‌های انتزاعی هستند که با استفاده از دو روش تعلیل و مفاهمه و تلفیق آنها شکل گرفته‌اند. از این رو، در مطالعه حاضر روش‌های تعلیلی و مفاهمه‌ای هم در کنار روش تاریخی در حدی گسترده مورد استفاده قرار گرفته است.

### مفهوم پاتریمونیا - بوروکراتیک

ماکس وبر، که مفهوم پاتریمونیا - بوروکراتیک را در تحلیل نظام سیاسی ساسانی از وی به وام گرفته‌ایم، در بررسی نظام‌های سنتی به لحاظ ساختار دیوانی و اداری آنها، به انواع نظام‌های سیاسی پدرسالاری (Patriarchalism)، پاتریمونیا و فئودال قائل بود. در بین انواع سه گانه حاکمیت یعنی حاکمیت سنتی (Traditional)، کاریزما (Charisma) و بوروکراتیک (Bureaucratic)، وبر ریشه حاکمیت سنتی را در

ریاست سرکرده خاندان بر اعضای آن، یعنی همان نظام پدرسالاری می‌داند (Weber, 1978: 1010). سلطه پدرسالاری تنها به معنای سلطه پدر بر خاندان نیست، بلکه دارای معنا و مفهوم گسترده‌ای است. سلطه پدر بر اعضای خانواده و سلطه رئیس خاندان بر اعضای خاندان و رئیس طایفه و قبیله بر طایفه و قبیله تا سلطه ارباب و فرمانروا و پادشاه بر رعایایش دارای ویژگی‌های سلطه پدرسالاری است (وبر، ۱۳۸۲: ۳۳۷). نبود تشکیلات دیوانی و اداری وسیع و متمرکز از جمله مشخصه‌های نظام سیاسی پدرسالاری است، ما در این نوع نظام سیاسی با ابتدایی‌ترین شکل اداره امور و کارها سروکار داریم (Weber, 1978: 1006). پدرسالار مشروعیت قدرت و سلطه خویش را از ارزش‌های پذیرفته شده که ریشه در سنت دارد، می‌گیرد (وبر، ۱۳۸۴: ۳۸۵-۳۸۲):

(Weber, 1978: 1006-1007).

سلطه پدرسالاری به عنوان زمینه و مقدمه‌ای طبیعی برای سلطه پاتریمونیا است. به عبارت دیگر سلطه پاتریمونیا در اقتدار پدرسالار بر خاندانش ریشه دارد (Blake, 1979: 79). نظام سیاسی پدرسالاری در روند خود دچار تغییراتی می‌گردد که این تغییرات و تحولات شرایطی را موجب می‌شود که به پیدایش سلطه پاتریمونیا منتهی می‌گردد. به عقیده وبر، حکومت‌های پاتریمونیا زمانی شکل می‌گیرند که شاهزادگان و اشراف نفوذ خود را بر رعایای بیرون از خاندان (خود حاکمان پاتریمونیا) در حوزه‌های خارج از تسلط پدرسالار افزایش دهند. این افزایش مستلزم تغییر در نوع و اندازه اقتدار است: از پاتریمونیا که اقتدار شخصی و خاندانی است، به اقتدار سیاسی محض که نظامی و قضایی بوده و باید توسط مقام‌های فرا خاندان پدرسالار هدایت شود (Chang, 2007: 12). با این حال، این افزایش نفوذ موجب تغییر در آمال پادشاه نمی‌شود، پادشاه یا حاکم در قلمرو وسیع‌تر که به عنوان حوزه

به خاندان» (Household Administration) است و در وهله دوم، پادشاه پاتریمونیاال به دلیل نیازها و ضرورت‌های پیش آمده، اقدام به تشکیل سازمان‌ها و اداره‌هایی می‌کند و برای آن «مقام‌های درباری» (Court Officials) را به خدمت می‌گیرد که از نیروهای فراپاتریمونیاال به شمار می‌روند و به شکل موروثی تابع پادشاه پاتریمونیاال هستند. (ibid, 1978: 1088-1089)

در بعد سیاسی نیز این امر صدق می‌کند. بر حسب این نیازهاست که اداره‌های پاتریمونیاال به وجود می‌آید. حوزه‌های اداری سلطنتی که از اداره خانوار نشأت می‌گیرند، به یک شکل در تمام دنیا یافت می‌شوند. در ابتدای دولت پاتریمونیاال علاوه بر روحانیان مقام‌های دیگری شکل می‌گیرند: مسئول تدارکات و ذخایر غذایی، مسئول و آجودان اصطبل، فرمانده خدم و حشم، مسئول البسه و تجهیزات نظامی، مسئول خزانه و درآمدها، رئیس کل تشریفات و امور دربار و سایر وظایفی که نیازهای اداره امور دربار باعث به وجود آمدن و تفکیک آنها می‌شود. از این رو، مناصب درباری و سلطنتی نخستین مناصب شکل گرفته در روند آغازین دولت پاتریمونیاال هستند که خود به شاخه‌هایی از جمله مناصب و مشاغل ایالتی که در درون همین مناصب درباری ریشه داشتند، گسترش می‌یابند. یعنی مقام‌هایی از مناصب درباری به مناصب ایالتی فرستاده می‌شدند که قبلاً در دربار وظایف مشابهی با مسئولیت جدید داشتند (Weber, 1978: 1025). تمامی مقام‌ها افزون بر وظایف سیاسی اداری خود موظف اند که از جان حاکم محافظت کنند. برای کارهای دیوانی هیچ‌گونه تخصص حرفه‌ای وجود ندارد، بلکه درست مانند مقام‌های دیوانی، مقام‌های پاتریمونیاال معمولاً به یک گروه منزلت تبدیل می‌شوند. پادشاه مقام‌های برگزیده را در وهله نخست از رعایای خود انتخاب می‌کند، یعنی آن دسته از رعایایی که به آنها کاملاً

قلمرو یک خاندان بزرگ محسوب می‌شود، سعی دارد قدرت نظامی و قضایی خود را به طور مشابه و به شکلی مطلق و نامحدود اعمال نماید (Blake, 1979: 79).

وجود گرایش‌های عقلانی نسبی در کنش‌های پدرسالار زمانی که با اداره قلمرو وسیع‌تر از حوزه صرف خاندانی مواجه می‌شود، خود عاملی دیگر در فروپاشی ساختار پدرسالار و شکل‌گیری ساختار پاتریمونیاال است. این تحول به لحاظ منطقی و تاریخی اجتناب‌ناپذیر یا حتمی نیست. چه بسیار ساختارهای پدرسالار بوده اند که از بین رفتند و یا به همان شکل گذشته باقی ماندند. تحقق این تحول، به واقع بسته به شرایط تاریخی است که در آن یک ساختار پدرسالاری موفق می‌گردد موقعیت خود را به یک ساختار حکومتی پاتریمونیاال متحول سازد (Weber, 1978: 1010-1012).

وبر در توصیف ساختار اداری نظام پدرسالاری از مفهوم «نظام اداری منفصل (Discontinuous Administration)» استفاده می‌کند، یعنی گونه‌ای از نظام اداری که نبود تشکیلات و سازمان‌های اداری منسجم و متمرکز و همین‌طور عدم حضور مقام‌ها و صاحب منصبان لشکری و کشوری، در آن مشهود و هویداست (Weber, 1978: 1088-1089). پس از شکل‌گیری سلطه پاتریمونیاال حاکم یا پادشاه پاتریمونیاال در تلاش برمی‌آید تا قدرت خویش را در نواحی فراپاتریمونیاال (Extra Patrimonial) که حوزه‌های وسیع جوامع انسانی را که به مراتب وسیع‌تر از حوزه خاندان پدرسالار است، بگستراند. وی برای انجام این امر، ابتدا در بعد اداری و دیوانی، نیاز به تشکیلات دیوان سالاری اولیه دارد که تنها محدود به نیروهای خاندانی پدرسالار نیست (Weber, 1978: 1025). از این رو، تشکیلات اداری و نظامی وی به دو بخش تقسیم می‌گردد: نخست، تشکیلات متکی به اعضای خاندان، یعنی تشکیلاتی که دارای جنبه «تشکیلات اداری وابسته

خاص تبدیل به نیاز اساسی و قانونی برای دولت پاتریمونیا شد، درست به مانند مقام نخست‌وزیر در دولت‌های مدرن که وظایفی مشابه وزیر اعظم برعهده داشت (Weber, 1978: 1088).

حکومت پاتریمونیا از زمانی که در مرحله آغازین شکل‌گیری خود قرار دارد، هر چه به جلو پیش می‌رود دچار تنیدگی ممتد و مداوم در ساختار سیاسی و اداری خود می‌گردد. تشکیلات اداری آن به طور مداوم پیچیده‌تر و متمرکزتر می‌گردد، به گونه‌ای که از نظام اداری آغازینش به شدت فاصله گرفته، به تشکیلات بوروکراتیک مدرن نزدیک‌تر می‌گردد، اما با آن متفاوت است و این دو به لحاظ ماهوی با یکدیگر متفاوت هستند. از این‌رو، ماکس وبر در بررسی نظام‌های پاتریمونیا به لحاظ ساختار دیوانی و اداری آنها به دو گونه نظام پاتریمونیا قائل است: گونه اول پادشاهی پاتریمونیا است که گونه کوچکتر بوده و در ساختار و دولت، نزدیکی بیشتری به نوع نظام سیاسی پدرسالاری دارد. گونه دوم پادشاهی پاتریمونیا - بوروکراتیک است که از گونه اول بزرگ‌تر و وسیع‌تر است و برای گونه‌ای از ساختار سیاسی به کار می‌رود که در آن از یک سو، تشکیلات اداری متعلق به شخص حاکم است و صاحب منصبان به واسطه مناسبات شخصی و وفاداری به حاکم منصوب می‌گردند و از دیگر سوی، این تشکیلات به حدی گسترده شده و در آن مناصب جدید شکل گرفته و وظایف و عملکردهای اداری تقسیم شده‌اند که دیگر از حیطة و نظارت مستقیم و شخصی حاکم خارج شده و جنبه بوروکراتیک پیدا کرده است و ساختار موجود با یک سلسله مراتب اداری خاص با دستورات و فرامین صادر شده از آن با سیستم نظارتی خاص اداره می‌گردد.

حکومت‌های پاتریمونیا - بوروکراتیک دارای تشکیلات دیوان سالارانه گسترده و نسبتاً متمرکز با

اعتماد دارد (Weber, 1978: 1025-1026). نکته مهم این است که در مناصب پاتریمونیا بین حوزه شخصی (Private) و اداری (official) تفکیک قائل نیستند زیرا که کارهای سیاسی نیز یک کار شخصی برای حاکم به شمار می‌رود و قدرت سیاسی بخشی از مالکیت خصوصی او بر شمرده می‌شود که از طریق حق الزحمه‌ها و مساعدت‌های مالی می‌توان از آن بهره جست. (Weber, 1978: 1028-1029)

با توسعه دولت پاتریمونیا نخستین مناصب و مقام‌های اداری که به شکل دیوان سالارانه به منصه ظهور می‌رسند تشکیلات اداری مرتبط با دبیری و منشی‌گری و تشکیلات اداری مرتبط با مالیه و حسابداری هستند که نقش مهمی را در اداره کارها برعهده داشته‌اند به شکلی که خاندان سلطنتی بدون وجود آنها از ثبات و قدرت لازم برخوردار نیست (Weber, 1978: 1089). درست به مانند طبقه دبیران در دوره ساسانی که رئیس آن را ایران‌دبیر یا دبیران مهست می‌خواندند و اداره مالیه ساسانیان که رئیس آن واستریوشان سالار نام داشت. به همین خاطر، به جهت اهمیت و نقش تأثیرگذار تشکیلات مذکور است که هر اندازه نظام اداری مرتبط با دبیری و منشی‌گری توسعه می‌یابد به همان اندازه بر قدرت اداری و دیوانی دولت پاتریمونیا افزوده می‌شود.

به محض این که تشکیلات اداری خاندانی از مرحله نظام اداری منفصل عبور کرد، دیوان‌ها و مناصب حکومتی در این روند دولت پاتریمونیا به سمت سیاست‌های دیوان سالارانه متمرکز در امور مذهبی، قضایی و نظامی گرایش پیدا می‌کند. نهاد وزارت در شرق و مقام وزیر اعظم و نقش و اختیارات آن، نمودی از نهادهای قدرتمند و دارای مسئولیت‌های خاص، محصول این برهه از تشکیلات دیوان سالاری دولت پاتریمونیا است. مقام وزیر اعظم بعدها بنابر دلایل

که تحت فرمان پادشاه باشند، از فرماندهانشان تبعیت می‌کردند (Blake, 1979: 79).

به لحاظ اداری و دیوانی نیز بین این دو گونه نظام پاتریمونیاال تفاوت وجود داشت، نظام اداری پاتریمونیاال در محدوده کوچک پادشاهی پاتریمونیاال، محدوده شخصی پادشاه با کلیت قلمرو هم عرض بود و بین مناصب و مقام‌های حکومتی و خاندانی تفاوتی وجود نداشته، یا تفاوت موجود بسیار اندک بود. اما در پادشاهی‌های پاتریمونیاال- بوروکراتیک بین مناصب و مقام‌های حکومتی و خاندانی تفاوت وجود داشت. قدرت بیرون از حوزه خاندانی در دست نیروهای فراپاتریمونیاال بود که بخش عمده جمع‌آوری مالیات‌ها و حل و فصل بخش محدودی از نزاع‌ها و درگیری‌ها را بر عهده داشتند.

در حوزه غیرنظامی دولت پاتریمونیاال- بوروکراتیک، در هنگام گسترده شدن سلطه بر قلمرو فراخاندانی دسته‌ای دیگر از مناصب و مقام‌های فراپاتریمونیاال شکل می‌گیرند که نه ملازم و وابسته بودند و نه بوروکرات، بلکه در نظام اداری فعالیت داشتند که حد واسط بین دستگاه خاندانی پادشاهی پاتریمونیاال و نظام فوق‌العاده بوروکراتیک دولت‌های مدرن بود. به عبارت دقیق‌تر، مناصب و مقام‌هایی در ساختارهای نهادی شاهنشاهی پاتریمونیاال- بوروکراتیک شکل گرفته بودند که تعریف دقیق و منسجمی نداشتند و از نظامی کامل برخوردار نبودند، یعنی با سلسله مراتبی از نقش‌های تعریف شده در بوروکراسی مدرن تفاوتی فاحش داشتند. کسانی که در دولت‌های پاتریمونیاال- بوروکراتیک خدمت می‌کردند، به خاطر صلاحیت‌های فردی، وفاداری، مقام و منزلت خاندانی و نیز به واسطه داشتن مهارت‌های خواندن و نوشتن انتخاب می‌گردیدند. از جمله این مقام‌ها دبیران یا کاتبان بودند که تنها طبقه‌ای بودند که به لحاظ فنی مناسب و بسیار مورد نیاز بودند. این مقام

روندهای شبه بوروکراتیک است و در نظام‌های سیاسی سنتی قدرتمندترین تشکیلات اداری و دیوانی می‌باشد. پادشاهان چنین نظام‌هایی، راهبردها و شگردهایی را اختیار می‌کنند که آنها را قادر می‌سازد حاکمیت شخصی و خاندان محور خویش را در قلمروهای به مراتب وسیع‌تر، پرجمعیت‌تر و پیچیده‌تر از حوزه صرف خاندانی، اعمال نمایند. این گونه حکومت مخالف با وجود هرگونه مراکز قدرت مستقل است. ساسانیان با ایجاد حکومتی با تشکیلات پاتریمونیاال- بوروکراتیک تمام قدرت‌های مستقل از تشکیلات مذکور را یا متلاشی ساختند و یا با تضعیف آنها، تحت سلطه و نظارت خویش درآوردند. برای رسیدن به چنان اعمال قدرتی، مناصب نظامی و غیرنظامی وفادار در دستگاه پادشاه پاتریمونیاال - بوروکراتیک به وجود می‌آیند که وظیفه شان تسهیل مسیر برای انحصار دو منبع تعیین کننده قدرت حاکم مرکزی، یعنی عایدات مالیاتی و قدرت نظامی است (Chang, 2007: 12).

برای موفقیت در اداره امور، پادشاه پاتریمونیاال باید سربازانی وفادار و آموزش دیده در اختیار داشته باشد. سپاهیان پاتریمونیاال از سربازانی تشکیل شده بودند که وفاداریشان تنها به یک شخص بود، نه به یک سلسله یا دستگاه خاص. در پادشاهی‌های پاتریمونیاال قسمت اعظم نیروهای نظامی شامل نیروهای خاندان حاکم بودند. از سوی دیگر، در پادشاهی‌های پاتریمونیاال- بوروکراتیک، سپاهیان بزرگ و پیچیده‌ای تشکیل می‌شدند. از سپاه خواسته می‌شد تا نظم و آرامش را حفظ نماید زیرا که انجام چنین کاری در چنین ممالک بزرگ و وسیع از عهده سپاه خاندانی برنمی‌آمد. در نتیجه سپاه‌های شاهنشاهان پاتریمونیاال- بوروکراتیک به دو گروه تقسیم می‌شدند: نخست نیروهای شخصی خاندان شاهی و دیگر سربازان تحت فرماندهی فرماندهان گوناگون که بدنه ارتش را تشکیل داده و از افرادی تشکیل می‌شدند که بیشتر از آن

ها علاوه بر حقوق ثابت، امتیازاتی از قبیل تیول (Benefice) و معافیت از مالیات دریافت می‌داشتند (Weber, 1978: 1031-1033).

به عقیده وبر ظهور اقتصاد تجارتي، انحصارطلبی سودمحور یا سوداگر (Merchantilism)، نقش بسیار مهمی در دولت‌های پاتریمونیا - بوروکراتیک ایفا می‌کند. در چنین شرایطی قشر ثروتمند و متمدن به دستگاه ملازمان شخصی پادشاه می‌پیوندند که حافظ و پشتیبان سلطه پاتریمونیا خواهند بود. صاحب منصبان دولت پاتریمونیا - بوروکراتیک خواه سربازان، بازرگانان و یا حتی مردان علم و ادب در محضر حاکم خدمت می‌کردند و اغلب وظایفی را انجام می‌دادند که با منصبشان هیچ سنخیتی نداشت. پادشاهان دولت پاتریمونیا - بوروکراتیک نیز از آنان تقاضای وفاداری و بیعت شخصی می‌کردند. چنین حاکمانی تمایزهای جدید بین حوزه شخصی و اداری یا شخصی و فنی را نادیده می‌گرفتند و سعی می‌کردند ملازمان خاندانی را تحت فرمان خود قرار دهند. در یک کلام، هدف پادشاه پاتریمونیا - بوروکراتیک این بود که مدعیان مقام و منصب را در حد یک خادم و خدمتکار خانگی مطیع و وفادار تنزل دهد (Chang, 2007: 13).

به عقیده وبر تشکیلات سیاسی و اداری پاتریمونیا بوروکراتیک پایه و اساس نظام‌های سیاسی در شرق را تشکیل می‌دهد. البته نظام‌های سیاسی قدرتمند در شرق تنها در قسمتی از حیات خویش دارای چنین تشکیلات دیوان سالارانه وسیع و متمرکز هستند. به عنوان مثال حکومت صفویان در ایران را تنها در قرن هفدهم و ربع اول قرن هجدهم می‌توان حکومتی دارای تشکیلاتی مطابق با تشکیلات پاتریمونیا - بوروکراتیک دانست. این مطلب همین طور درباره امپراتوری عثمانی و مغولان هند نیز صدق می‌کند (Amir Arjomand, 2007: 4-5).

وبر مصر باستان را نخستین دولت منسجم پاتریمونیا - بوروکراتیک می‌داند که تشکیلات سیاسی و اداری پاتریمونیا - بوروکراتیک در آن، مبتنی بر قانون رودخانه به خصوص ساخت کانال آبیاری به وجود آمد (Weber, 1978: 1044). او علت پیدایش امپراتوری پاتریمونیا - بوروکراتیک چین را نیز به مانند مصر، نبود کامل نجبای صاحب زمین و وجود رودخانه و اتکای جامعه و ساختار سیاسی به نظام آبیاری رودخانه‌ای متمرکز در آن می‌داند. هرچند وی علل شکل‌گیری تشکیلات پاتریمونیا - بوروکراتیک در مصر و چین را با دقت تمام ذکر کرده و آنها را مورد بحث قرار داده است اما درباره علل وجود چنین تشکیلاتی در نظام سیاسی ساسانی و به طور کلی در نظام‌های سیاسی ایران سخن خاصی نگفته است.

#### نظام سیاسی ساسانی براساس نظریه پاتریمونیا - بوروکراتیک

چون وبر به بررسی نظام‌های سیاسی ایران به مانند نظام‌های سیاسی مصر و چین پرداخته است، نکته مهمی را باید در نظر داشت و آن تفاوت نوع شکل‌گیری نظام پاتریمونیا - بوروکراتیک در مصر و چین با ایران است. به عبارت دیگر بعضی از خصایص و ویژگی‌هایی که وبر آنها را از جمله عوامل ایجاد نظام پاتریمونیا - بوروکراتیک در مصر و چین می‌داند در ایران وجود نداشته و یا حضورشان کم رنگ بوده است. برای نمونه وبر نبود کامل اشراف زادگان صاحب زمین در چین را از جمله عوامل شکل‌گیری تشکیلات پاتریمونیا - بوروکراتیک در آن کشور می‌داند (Weber, 1978: 1047). در صورتی که در ایران ساسانی و در دوره مورد نظر ما اشراف زادگان صاحب

زمین به خصوص هفت خاندان متنفذ اگرچه بر اثر اقدامات شاپور دوم از قدرتشان کاسته شده بود، حضور داشتند (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

به هر تقدیر، با توجه به مباحث و بر درباره تشکیلات پاتریمونیا - بوروکراتیک در مصر و چین و دقت نظر در شرایط جغرافیایی و تاریخی و دینی خاص ایران و به ویژه دولت ساسانی، به نظر می‌رسد که بتوان به یافتن پاسخی برای چگونگی شکل‌گیری تشکیلات سیاسی و اداری پاتریمونیا - بوروکراتیک در دولت ساسانی و علل و عوامل آن دست یافت. اگرچه نمی‌توان انتظار داشت که نظام پاتریمونیا - بوروکراتیک در ایران ساسانی از همان خصوصیات برخوردار باشد که در مصر و چین برخوردار بوده است به همین خاطر و بنابر اعتقاد و بر که علل ایجاد چنین نظامی را در جوامع مختلف متفاوت می‌داند، در اینجا به ذکر چند علت و در پی آن چندگونه خصوصیت تشکیلات پاتریمونیا - بوروکراتیک خواهیم پرداخت.

از جمله این عوامل که منجر به ایجاد زمینه‌هایی برای شکل‌گیری شاهنشاهی ساسانی با ساختار پاتریمونیا - بوروکراتیک شده بود و می‌توان آن را برای این مسأله البته در حد یک فرضیه مطرح ساخت، موقعیت طبیعی و جغرافیایی خاص سرزمین ایران است. مجاورت ایران با اقوام گوناگون که هر کدام دارای حوزه‌های انسانی و اجتماعات بدوی و کوچگرد با درجات مختلفی از تمدن بوده‌اند، شرایطی را ایجاد کرده بود که مقابله با نفوذ و تهاجم دائمی و گسترده قبایل مذکور را واجب ساخته بود. دفاع از تمامیت ارضی این ملک در برابر هجوم این اقوام بدوی و بیابانگرد در کنار مقابله با دشمن دیرینه و قدرتمند غربی، یعنی امپراتوری روم که به مراتب نیرومندتر بود و گاه تا قلب سرزمین ایران، یعنی تیسفون پایتخت ساسانیان پیش آمده بود، یکی از مسائل و مشکلات جامعه ایران و نظام‌های پادشاهی

اشکانی و ساسانی بود.

ساسانیان در فاصله میان حکومت شاپور یکم تا نیمه دوم زمامداری شاپور دوم که موقعیتشان تثبیت شده بود، توانستند با توان بیشتر به دفاع از مرزها و سرحدات خویش پردازند. شاپور یکم در نخستین سال‌های پادشاهی خویش کوشید تا مرزهای شمال شرقی ایران را مستحکم کند. شاپور در پیکارهای سخت با اقوام بیابانگرد آنجا از جمله خوارزمیان و مادهای کوه‌نشین به پیروزی رسید و موقعیت مرزهای شرقی ایران را استحکام بخشید (بیگولوسکایا، ۱۳۷۸: ۲۲۶-۲۲۷). جدا از این، کنیه شاپور اول در کعبه زردشت درباره سه جنگ با رومیان سخن می‌گوید که نخستین پیکار در آغاز فرمانروایی شاپور روی داد، وقتی که گردیان (Gordian) بر سپاه شاپور تاخت، ولی شکست خود و کشته شد. بی‌درنگ، فیلیپ (Philip) بر جای او نشست و با شاپور آشتی کرد. جنگ دوم با نابودی یک سپاه شصت هزار تنی رومی پایان گرفت و ایرانیان سوریه و کاپادوکیه را غارت کردند و انطاکیه را در کنار نهرالعاصی (Orontes) با بسیاری شهرهای دیگر گرفتند. در جنگ سوم امپراتور والریان (Valerian) شکست یافت و گرفتار شد و آنگاه شاپور به سوریه و مشرق آناتولی تاخت. منابع دیگر می‌گویند که در جنگ سوم هنگامی که ایرانیان بازمی‌گشتند، اذینه یا ادناث (Odenath) پادشاه تدمر بر آنان تاخت و ایشان را شکست داد و غنیمت فراوان گرفت. پیروزی‌های اول و سوم شاپور گویا در ۲۴۳ تا ۲۴۴ و ۲۵۹ تا ۲۶۰ بوده است (فرای، ۱۳۸۶: ۳۴۲).

هجوم این اقوام و تهدیدات و حملات دولت روم، زمینه و شرایطی را به وجود آورده بود که حکومت ساسانی را مجبور می‌کرد تا خواسته یا ناخواسته نقشی دفاعی را برعهده گیرد که البته با حمایت جامعه ایرانی که بالطبع حفظ امنیت خویش را در آن می‌دیدند، همراه می‌شد. ساسانیان در هنگام ایفای چنین نقش دفاعی در



ساختار نظامی نظام سیاسی موجود موضوعیت می- یافت. تا هنگامی که نظام سیاسی پاتریمونیا - بوروکراتیک فاقد قدرت و ساختار نظامی قدرتمند بود، نمی توانست نقش مذکور را ایفا کند. شکل گیری نیروی نظامی قدرتمند بود که می توانست نقش دفاعی دولت ها را موضوعیت بخشد. از این رو، شاهد شکل- گیری سپاه پادشاه دولت پاتریمونیا - بوروکراتیک هستیم و این مسأله، برای موضع قدرت پادشاه تعیین کننده بود. سپاه در دوران جنگ تجهیز می گردید و در انبارهای سلطنتی برای آنها آذوقه فراهم می شد.

به عقیده وبر در دولت های پاتریمونیا - بوروکراتیک دو نوع قوای نظامی حضور دارند: سپاه پاتریمونیا و غیرپاتریمونیا (Non-Patrimonial Armies). نیروی نظامی پاتریمونیا دارای ویژگی ها و خصلت های حرفه ای در جنگ و جنگاوری بوده، دستمزد آنان به طور مستقیم از خزانه و دیگر منابع عایداتی پادشاه پاتریمونیا - بوروکراتیک تامین و تجهیز می گردد. از طرف دیگر، دسته دوم قوای نظامی غیرپاتریمونیا هستند که تجهیزات و مخارج خویش را خودشان تامین می کردند و حرفه و شغل اصلیشان جنگاوری و نظامی گری نبوده و تنها هنگام جنگ به خدمت فراخوانده می شدند، به همین خاطر آنها مستقیماً تابع و وفادار به حاکم پاتریمونیا - بوروکراتیک نبودند (Weber, 1978: 1019-1015). افزون بر این، مزدورانی نیز وجود داشتند که حقوق خود را از خزانه سلطنتی دریافت می کردند (Weber, 1978: 1046). در سپاه شاهنشاهی ساسانی نیز شاهد حضور دو دسته از نیروهای نظامی هستیم. یک دسته از نظامیان شامل کسانی بودند که آموزش های نظامی سخت دیده بودند و جنگاوری و نظامی گری حرفه شان بود. آنها دستمزد خویش را از خزانه سلطنتی و دیگر عایدات اقتصادی شاهنشاه ساسانی دریافت می داشتند، درست به مانند سپاه پاتریمونیا، سواران که نخبه سپاه ساسانی بودند، خصوصاً

شرق و غرب نیازمند ایجاد تشکیلات خاص و متمرکز اداری و نظامی برای نظام سیاسی خویش بودند تا بتوانند از عهده انجام چنین ماموریتی برآیند. با نگاه به دوران حکومت نخستین شاهنشاهان ساسانی تا نیمه دوم سلطنت شاپور دوم، خصوصاً در زمان سلطنت سه پادشاه ساسانی، یعنی اردشیر بابکان، شاپور یکم و شاپور دوم می توان شواهد گوناگونی برای تایید فرضیه فوق یافت. از جمله ساخت و احداث شهرهای گوناگون که بعضی حاصل بروز پدیده های نو در زندگی داخلی ایران بودند و بعضی دیگر به عنوان منطقه ای سوق الجیشی بنیان و گسترش یافتند و یا احیا گردیدند. دفاع از مرزها و ایجاد پایگاه های جنگی، یکی از وظایف عمده این دولت نظامی نیرومند به شمار می- رفت که یکی از راه های انجام آن احداث و احیا این شهرها بود (پیگولوسکایا، ۱۳۷۸: ۲۲۶).

از دیگر اقدامات حفظ امنیت در مرزها درست مانند رومیان که مرزنشینانی را در مرزها اسکان می دادند، اسکان اقوام بیابانگرد در نقاط گوناگون شاهنشاهی ساسانی بود. شاپور دوم نیز اعرابی را به عنوان نیروی دفاعی دائمی در برابر دیگر اعراب بیابانگرد، به ویژه آنانی که متحد روم بودند در عراق سکونت داد، برای مثال ابوعلی مسکویه درباره این اقدامات شاپور می- گوید: « [شاپور دوم] آن گاه، گروهی از تغلیبان را که در بحرین بودند، در دارین بنشانید و آنان را که از بکر عبدالقیس و تمیم بودند، در هجر، و آنان را که از بکر وایل بودند و بکر ایادشان می خواندند، در کرمان، و حنظلیان را در رمیله از سرزمین اهواز جای داد» (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۳۵).

عامل مذکور که وبر نیز در هنگام بحث درباره نظام سیاسی و اداری پاتریمونیا - بوروکراتیک مصر، آن را از علل شکل گیری تشکیلات پاتریمونیا - بوروکراتیک می داند (Weber, 1978: 1046). بیشتر در ارتباط با

است که گفته بود: «بدانید که پادشاهی و دین، دو برادر همزادند که پایداری هر یک جز به آن دیگری نباشد. زیرا دین شالوده پادشاهی است و تاکنون، پادشاهی پاسدار دین بوده است. پادشاهی را از شالوده و دین را از پاسدار گزیری نباشد. زیرا آنچه را نه پاسدار است، تباه شود و آنچه را نه پایه، ویران گردد» (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۱۶). در عوض دستگاه دینی نیز از ساختمان دولت، امتیازات اشراف، حق الهی شاهنشاه و اعتقاد به اطاعت بی چون و چرا از او حمایت می‌کرد.

و بر نیز به نقش و جایگاه مهم روحانیان و معابد در دولت‌های پاتریمونیا - بوروکراتیک اشاره کرده و دستگاه دینی را از نظر وسعت تنها قدرت موجود در کنار دستگاه پادشاه پاتریمونیا - بوروکراتیک می‌داند که از امتیازات خاص چون در دست داشتن املاک فراوان، معافیت مالیاتی و مصونیت بهره می‌برده است (Weber, 1978: 1045)، که روحانیت در دوره ساسانی نیز این ویژگی‌ها را دارا بود. بنابراین تنها در وجود تشکیلات اداری پاتریمونیا - بوروکراتیک بود که حکومت می‌توانست عاملیت خود در حوزه‌های دینی را تحقق بخشد و به واسطه آنها سیاست‌های رسمی را در عرصه دین اعمال کند.

شاهنشاهی ساسانی در شکل‌گیری و توسعه دارای ویژگی‌های خاص نظامی‌گری و دینی‌گردید. چنین ساختار سیاسی و اداری بر پایه نفوذ و تاثیر سه طبقه قدرتمند و تاثیرگذار در جامعه طبقاتی ساسانی یعنی: مقام‌های نظامی، روحانیان و سرانجام وزرا و دبیران و منشیان شکل گرفت. تشکیلات سیاسی و اداری منسجم از نوع تشکیلات پاتریمونیا - بوروکراتیک امکانات و شرایطی را در اختیار شاهنشاه ساسانی قرار می‌داد که به پشتوانه قدرت نظامی کل جامعه و اقشار و گروه‌های موجود در آن را تحت نظارت خود قرار داده، به لحاظ اقتصادی آنها را مورد بهره‌برداری قرار دهد. ساسانیان

در این دسته قرار می‌گرفتند. آنها که از سواران نژاده تشکیل می‌شدند آموزش‌های سخت نظامی می‌دیدند (Shahbazi, 1985: 496). پس از اصلاحات خسرو انوشیروان دستمزد ثابتی برای این دسته از نظامیان تعیین شد (Tafazzoli, 2000: 14). دسته دوم سپاه ساسانی یا همان نیروهای غیرپاتریمونیا شامل رعایا و روستاییانی بودند که در پیاده نظام (payg/payādag) خدمت می‌کردند (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۱۵۳). آنها حقوق و دستمزدی دریافت نمی‌کردند و جنگ و جنگاوری حرفه اصلیشان نبود (Shahbazi, 1985: 497-498).

ویژگی‌های دینی شاهنشاهی ساسانی و نقش و جایگاه پادشاه و روحانیان در آن به عنوان مدافع دین و شریعت و مروج سنت‌ها و مقدسات دینی، از دیگر عواملی بود که نقش فعال و فراگیری را به حکومت و ساختار سیاسی می‌داد که به عنوان حافظ و مدافع سنت‌های دینی در تمام ابعاد جامعه ساسانی حضور داشته باشد. هنگامی که ساسانیان در راه ایجاد یک دولت مرکزی نیرومند می‌کوشیدند، دستگاه دینی در مسیر وصول به چنین مرکزیتی گام برمی‌داشت. به عبارتی قدرت شاهنشاه و نیروی موبدان موبد دو ترجمان یک‌گرایش و دویعد یک پدیده بودند (Yarshater, 1983: xxxiv). در شاهنشاهی ساسانی تعهد و اعتقاد شاهنشاه به آیین رسمی حکومت امری حیاتی بود چنان که روحانیت می‌بایست اطمینان یابد که پادشاه آینده آن گونه که لازمه آیین زردشتی بود از دین زردشتی تبعیت کند. این امر نه تنها مستلزم پیروی از شعایر و حکمت دین رسمی بود، بلکه شاه می‌بایست از هنجارها و معیارهای جامعه در ساخت طبقاتی تبعیت کند. در بسیاری از اندرنامه‌ها و کتب اخلاقی دوره اسلامی اعم از فارسی و عربی اشاره شده است که در عصر ساسانی دین و دولت خواهران همزاد بودند و پادشاه می‌بایست از دین و دستگاه دینی حمایت کند (Frye, 1983: 134). چنان که از قول اردشیر نقل شده

به پشتوانه این تشکیلات بود که توانستند قدرت‌های رقیب را در تمام عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و دینی یا از پیش رو بردارند و یا در درون نظام حکومتی خود به تحلیل برده، در راستای اهداف خویش به کار گیرند. تشکیلات اداری پاتریمونیا - بوروکراتیک آنها را قادر می‌ساخت تا قدرت خود را در تمام ابعاد جامعه ایرانی بگسترانند.

البته این نوع تشکیلات منسجم و متمرکز تحت لوای نظام شاهنشاهی سابقه طولانی در اذهان مردم ایران داشت و ساسانیان به تنهایی مبدع آن نبودند، تشکیلات آنها علاوه بر تازگی، زیربنای خود را از تشکیلات سیاسی و اداری دولت‌های پیشین، خصوصاً هخامنشیان می‌گرفت. با مطالعه دستورها و پندهای اخلاقی و حکمی شاهان، اندیشمندان و روحانیان ساسانی درباره آیین کشورداری در اندرنامه‌های پهلوی که به شکل‌های گوناگون به ما رسیده، می‌بینیم که آنها به چنان شناختی از نظام پادشاهی رسیده بودند که آن را نه حکومت یک نفر، بلکه حکومت یک مجموعه تلقی کرده و یک نظام حکومتی منسجم و هدفمند توصیف می‌کردند که در آن انواع مناصب و مقام‌ها به تبع اختیارات و وظایف هر کدام شکل گرفته بود. برای نمونه **نامه تنسر** نظام سیاسی و تشکیلات و کارکردهای آن را این گونه تشریح می‌کند: «مردم در دین چهار اعضا اند، و در بسیار جای در کتب دین، بی جدال و تاویل، و خلاف و اقاویل، مکتوب و مبین است، که آن را اعضاء اربعه می‌گویند و سر آن اعضاء پادشاهست، عضو اول اصحاب دین و این عضو دیگربراره بر اصنافست: حکام و عباد و زهاد و سده و معلمان. عضو دوم مقاتل، یعنی مردان کارزار، و ایشان بر دو قسمند: سواره و پیاده. بعد از آن به مراتب و اعمال متفاوت، عضو سوم کتّاب، و ایشان نیز بر طبقات و انواع: کتّاب رسایل، کتّاب محاسبات، کتّاب اقصیه و سجلات و شروط، و

کتّاب سیر، و اطبا و شعرا و منجمان داخل طبقات ایشان. عضو چهارم را مهنه خوانند، و ایشان برزیگران و راعیان و تجار و سایر محترفه اند، و آدمی زاده بر این چهار عضو در روزگار صلاح باشد مادام. البته یکی با یکی نقل نکنند الا آنکه در جبلت یکی از ما اهلیتی شایع بینند، آن را بر شهنشاہ عرض کنند، بعد تجربت موبدان و هرابده و طول مشاهدات، تا اگر مستحق دانند، بغیر طایفه الحاق فرمایند» (نامه تنسر به گشنسب، ۱۳۵۴: ۵۷). هریک از این طبقات رئیسی داشت. رئیس روحانیان موبدان موبد، رئیس جنگیان ایران سپاه بد، رئیس دبیران، ایران دبیربد (یا به اصطلاح دبیران مهست) رئیس طبقه چهارم را واستریوشان سالار (یا به اصطلاح دیگر واستریوش بد و هوتخشد) می‌گفتند (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۷۰).

به هر تقدیر، وجود چنین اندیشه‌ای درباره نظام پادشاهی و در کنار آن اعتقاد دیرپای مردم ایران به اصل الهی بودن سلطنت یا همان فره کیانی (شاهنشاه)، که به موجب آن پادشاهی را حق آسمانی پادشاهان خویش می‌دانستند، یکی دیگر از علل شکل‌گیری نظام حکومتی پاتریمونیا - بوروکراتیک ساسانی بود. این پایگاه مقدس پادشاه و عقیده شایع درباره قدرت بی حد و مرز وی بود که به ساسانیان کمک کرد که بتوانند تا مدتی بسیار دراز و در میان آن همه آشوب و ناامنی تاج و تخت خویش را حفظ کرده، بر مردم حکومت کنند. از این رو می‌توان نظام پادشاهی ساسانی را البته در بخشی از حیات آن یعنی تقریباً از نیمه دوم پادشاهی شاپور دوم تا پایان زمامداری خسرو انوشیروان آئینه تمام‌نمایی از تشکیلات حکومتی پاتریمونیا - بوروکراتیک دانست زیرا آن هم دارای جنبه شخصی است و متعلق به شخص پادشاه است و هم متشکل از یک مجموعه هدفدار است که توسط یک گروه و مجموعه اداری مدیریت و هدایت می‌شود. بعد

از ساسانیان نیز، ایرانیان این رگه قدرتمند از دیوان سالاری را در طی قرون، نه فقط در نظام‌های سیاسی ایران بعد از اسلام بلکه در امپراتوری مغولان، حکومت‌های ترک و مغول غرب و مرکز آسیا وارد نمودند. اما در مجموع از زمان شاهنشاهی قدرتمند ساسانی بود که ایرانیان دارای سیستم متمرکز جمع آوری مالیات، نظام دیوانی - اداری بسیار پیشرفته و حاکمیت سنتی بسیار قدرتمند و متمرکز که تحت لوای شاهنشاه مطلق که نژاد از ایزدان داشت، گشتند (Blake, 1979: 81-82).

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نظام‌های پادشاهی در ایران خصوصاً نظام پادشاهی ساسانی تنها در قسمتی از حیات خویش دارای تشکیلات سیاسی و اداری پاتریمونیل بوروکراتیک بودند، از این رو، مطابق الگوی نظری بحث شده، دولت ساسانی تنها از نیمه دوم پادشاهی شاپور دوم به بعد وارد روند شکل‌گیری انواع دیوان‌ها و تشکیلات اداری در دیوان مرکزی و ایالت‌ها در تمام شئون سیاسی و اداری و مذهبی می‌گردد. به طوری که در دوران زمامداری خسرو انوشیروان این تشکیلات در تمام ابعاد خویش از جمله در بخش‌های دربار شاهی، دیوان مرکزی، تشکیلات دینی و تشکیلات نظامی به اوج قدرت خویش می‌رسد که البته بررسی آن در این مقاله امکان پذیر نیست اما باید گفت که شکل‌گیری ساختار متمرکز سیاسی و دیوان سالاری متمرکز در حکومت ساسانی، در ابتدا با موانع و چالش‌های اساسی مواجه بود که عمده‌ترین این موانع وجود حکومت‌های محلی و شاهان خرد بازمانده از نظام غیرمتمرکز ملوک الطوائفی اشکانی بود گزارش کارنامه اردشیر بابکان مبنی بر وجود ۲۴۰ کدخدایا یا ۹۰ شاه در ایران زمین در این دوره (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۷۸: ۳)، خود گویای عدم انسجام در قلمرو شاهنشاهی اشکانی است که باعث ایجاد انواع

حوزه‌های اداری و تعدد مراکز اداری و پایتخت‌ها شده بود.

همان‌طور که پیش از این گفته شد برخلاف نظام پاتریمونیل - بوروکراتیک چین مانع دیگر که ساسانیان در این دوره با آن مواجه شده و برای نخستین بار پایه‌های قدرتش را شدیداً به لرزه در آورده بود، افزایش قدرت و نفوذ اشرافیت درجه اول و روحانیان زردشتی بود که در نتیجه ضعف قدرت موجود در دولت ساسانی سربرآورده بود. ایجاد تمرکز در تشکیلات سیاسی و اداری و اتحاد دین و دولت در کنار رواج سنت اندرزنامه‌نویسی به عنوان آثار نظری و فکری تجویز و توجیه کننده نظام پادشاهی، به تدریج خود موجب شدند تا ساسانیان بتوانند بر موانع پیش روی خویش چیره گردند. آنها در رسیدن به آرمان خود که همانا تشکیل شاهنشاهی متمرکز و یکپارچه بود، دین و متولیان آن را که در تمام سطوح جامعه نفوذ داشتند، به خدمت گرفتند، از این روست که می‌بینیم همپای تقویت نهاد سلطنت، نهاد دین نیز به عنوان عنصری متحد و مرتبط با مقام سلطنت و نقش و جایگاه پادشاه مطابق با سنن پادشاهی ایرانی، در مرکز حوزه نفوذ نهاد سلطنت قرار گرفت.

گسترش و توسعه تدریجی تشکیلات سیاسی، اداری، نظامی و دینی ساسانی در تمام ابعاد آن و همین‌طور اقدام ساسانیان در حذف حکومت‌های محلی که میراث نظام ملوک طوائفی اشکانیان بودند به همراه اعمال سیاست‌های جدید مالیاتی و اقتصادی خصوصاً از پس از اصلاحات خسرو انوشیروان، در تمام ابعاد به اوج توسعه خویش رسید. مجموعه این تحولات و رویدادهای دیگر، گویای نقش و جایگاه مهم این دوره در تاریخ ایران بوده است، چنان که آثار این سیاست‌ها و تحولات را در ادوار بعدی می‌توان یافت.

## نتیجه

به طور آشکار این مسئله هدف اصلی این مطالعه بوده است. از این طریق تلاش شده است تا زمینه‌ها و چگونگی شکل‌گیری ساختار سیاسی و اداری ساسانی و رسیدن آن به نهایت قدرت و عظمت روشن گردد. به همین سبب، به دیگر مسائل سیاسی شاهنشاهی ساسانی از قبیل مناسبات سیاسی، شورش‌ها و طغیان‌های رخ داده در این دوره و در نهایت، به علل اضمحلال و فروپاشی شاهنشاهی ساسانی پرداخته نشده است.

## منابع

- پیگولوسکایا، ن. (۱۳۸۷)، **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان**، ترجمه عنایت الله رضا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- فرای، ر. ن. (۱۳۸۶)، **میراث باستانی ایران**، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- **کارنامه اردشیر بابکان**، (۱۳۷۸)، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- کریستن سن، آرتور، (۱۳۸۰)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر، چاپ دوم.
- مسکویه (مشکویه) رازی، ابوعلی، (۱۳۶۹)، **تجارب الامم**، ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی، جلد یکم، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- **نامه تنسر به گشنسپ**، (۱۳۵۴)، تصحیح مجتبی مینوی، با همکاری محمد اسماعیل رضوانی، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
- وبر، ماکس، (۱۳۸۴)، **اقتصاد و جامعه**، مترجمان عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

مطالعه حاضر بر اساس یک نظریه است. هر نظریه در اصل مجموعه‌ای از سازه‌ها ( مفاهیم )، تعاریف و گزاره‌های به هم مرتبط است که از طریق مشخص ساختن روابط میان متغیرها، با هدف تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها دید نظام یافته‌ای از پدیده‌ها ارائه می‌کند و به همین خاطر نه بیان‌کننده گستردگی و پیچیدگی کل واقعیات، بلکه تنها بیان‌کننده بخشی از آن است. این امر در استفاده از مفهوم نظری پاتریمونیا - بوروکراتیک در تحلیل واقعیات تاریخی دوره ساسانی نیز صادق است. مطالعه دقیق منابع دست اول، اندرزنامه‌ها و پژوهش‌ها که درباره دولت ساسانی نوشته شده است، نشانگر هماهنگی بی‌نظیر میان نظام حکومتی و دیوان‌سالاری دولت شاهنشاهی ساسانی، که از زمان شاپور دوم به تدریج شکل گرفته و در دوره خسرو انوشیروان، در نتیجه اصلاحات وی به اوج تمرکز و قدرت خود رسیده است و امپراتوری پاتریمونیا - بوروکراتیک مورد بحث ماکس وبر می‌باشد. زیرا که جنبه خاندانی و ماهیت پدرسالاری حکومت ساسانیان، نقش دربار به عنوان عنصر مرکزی در دولت، نظامیان و ارتشیان به عنوان وابستگان به شاهنشاه ساسانی، تشکیلات اداری و دیوانی به عنوان دسته‌ای از مناصب و مقام‌هایی که تحت نظارت شاهنشاه فعالیت داشتند و سرانجام نفوذ ریشه دار روحانیان و دستگاه دینی بر مردم که عامل یاری‌دهنده به شاهنشاهان ساسانی برای سلطه بر تمامی مردم بود، این فرضیه را که حکومت ساسانی از نوع حکومت‌های پاتریمونیا - بوروکراتیک است، تقویت می‌کند.

چنین نگاهی به نظام سیاسی ساسانی، در چندین بعد قابل توجه است. نخست و مهمتر از همه، درک ما از ساختار سیاسی و اداری ساسانی را فزونی می‌بخشد که

- وبر، ماکس، (۱۳۸۲)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر هرمس، چاپ اول.

- Amir Arjomand, Saïd, ( 2007), "The Political and Legal Framework of Civic and Economic Activity in the Safavid and Ottoman Empires", **The Economic Performance of Civilizations: Roles of Culture, Religion, and the Law**, at the Institute for Economic Research on Civilizations, University of Southern California, February 23-24.
- Blake, Stephen P, (NOV, 1979), "The Patrimonial-Bureaucratic Empire of The Mughals", **The journal of Asian Studies**, vol. 39, No.1.
- Chang, Michael G, (2007), **A Court on Horseback Imperial Touring & the Construction of Qing Rule, 1680–1785**, Harvard University Asia Center.
- Frye, R.N, (1983), "The Political History of Iran under the Sasanians", ed. E. Yarshater, **The Cambridge History of Iran**, Vol. 3(1), Cambridge, Cambridge University Press.
- Shahbazi, A. Shapur, (1985), " Army" (The Sasanian period)", **Encyclopaedia Iranica**; vol. II. London, Boston and Henley.
- Tafazzoli, A, (2000), **Sasanian Society**, NewYork.
- Weber,Max, (1978), **Economy and Society**, edited by Gunther Roth and Claus Wittich. vo. 2. University of California press.
- Yarshater, Ehsan, (1983), "Introduction: Religious nationalism", ed. E. Yarshater, **The Cambridge History of Iran**, Vol. 3 (1), Cambridge, Cambridge University Press.